



مهاجرت جرم نیست

سال ۲۰۲۰ نزدیک به دوهزارو ۳۰۰ نفر در مسیر مهاجرت به قاره اروپا با جان باختن یا مفقود شدند. نمونه‌های بسیاری از وقوع حوادث مرگ‌بار برای اتباع افغانستانی در مسیر مهاجرت به ایران نیز گزارش شده است. با وجود همه خطرانی که مهاجرت به همراه دارد، همچنان آمارهای جابه‌جایی مهاجران و درخواست‌های پناهندگی بسیار بالاست و همین امر مسئله مهاجرت را به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات عصر حاضر تبدیل کرده است.

افزایش موج مهاجرت در هزاره جدید، سبب اتخاذ واکنش‌های دوگانه‌ای توسط دولت‌های جهان شده است. از یک طرف برخی دولت‌ها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، واکنش‌های ترحم‌آمیز نسبت به مهاجران و پناه‌جویان نشان می‌دهند و از لزوم حمایت از این گروه آسیب‌پذیر سخن می‌گویند و از طرف مقابل فراسوی این نقاب ترحم‌آمیز دولت‌ها، گفتمان ضد مهاجرتی پررنگی حضور دارد که معتقد است دولت نباید تا حد امکان پناه‌جو پذیرد و به جای آن بهتر است مهاجران دارای مهارت بالا و سرمایه‌دار را جذب کنند. در همین راستا بر اعمال سیاست‌های سختگیرانه در برابر پناه‌جویان تأکید می‌شود. این سیاست‌های سختگیرانه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعمال می‌شود اما بخش مهم این سیاست‌ها به نظام کیفری و سیاست‌های کنشگران آن به‌خصوص پلیس مربوط می‌شود.

در دهه‌های اخیر گفتمان کیفری در مدیریت پدیده مهاجرت، چنان غلبه یافته است که برخی اندیشمندان برای توصیف این وضعیت از اصطلاحات نوینی چون «جرم مهاجرت» استفاده می‌کنند. این اصطلاح به این معناست که امروزه فرایندهای مختلف مهاجرتی با فرایندهای مجرمانه و کیفری تلاقی پیدا کرده است و قوانین و مقررات مهاجرتی دولت‌ها برخلاف گذشته که غالباً وجهه اداری و مدنی داشت، اکنون بیشتر سبقه کیفری دارد (استامف، ۲۰۱۵: ۲۴۱). در همین راستا برخی محققان اشاره کرده‌اند در انگلستان در فاصله سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۹۶ حدود ۷۰ مورد جرم مهاجرتی موجود بوده اما از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ ۸۲ مورد جرم مهاجرتی جدید بر سیاه قوانین مهاجرتی افزوده شده است (کنتینگ، ۲۰۰: ۱۲۳). این قوانین جدید بیش از هر گروهی، پناه‌جویان را هدف قرار داده و به این گروه تحت عنوان مهاجران غیرقانونی برچسب می‌زنند و به این نحو آنان را در یک وضعیت حقوقی متزلزل غیرقانونی قرار می‌دهند.

در ایران نیز نگاه جرم‌نگارانه به مهاجرت امری ریشه‌دار است و نمود چنین نگرشی را می‌توان در اقدامات و رویه‌های سختگیرانه پلیس و اداره اتباع در قبال بازداشت و اخراج مهاجران افغانستانی دید. نهادهای متولی مهاجرت در ایران تحت تأثیر یک گفتمان تهدیدمحور به مهاجران بیشتر به‌منابئه سوزه‌های

ضد امنیتی و مجرم نگاه می‌کنند. در همین راستا به‌تازگی طرحی تحت عنوان «سازمان ملی مهاجرت» در مجلس به تصویب رسید که کاملاً همان نگاه کیفری در قبال مهاجران و اتباع خارجی را بازتولید می‌کند. طرح مذکور با ابزارهای کیفری مثل افزایش جرم‌انگاری‌های مهاجرتی، توسعه زمینه‌های اخراج مهاجران و افزایش نقش و اختیارات نهادهای انتظامی و امنیتی در زمینه مهاجرت تلاش کرده پدیده مهاجرت را کنترل کند.

سیاست‌های کیفری دولت‌ها در راستای کنترل ورود مهاجران، با مربوط به مناطق مرزی است یا مناطق داخلی کشور. ازآنجا که نواحی مرزی نخستین محل ورود مهاجران به کشور هستند، دولت‌ها سعی کرده‌اند با اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه، در همین نقطه ابتدایی مانع ورود مهاجران به داخل کشور شوند. دولت‌های مدرن در راستای تأکید بر اهمیت کنترل و نظارت بر مرزها، مفهومی تحت عنوان «امنیت مرزی» را برسانخته‌اند. برای دولت‌های کنونی، امنیت مرزی برخلاف دیدگاه سنتی، صرفاً مبتنی بر صیانت از مردم در مقابل تجاوز نیروهای نظامی بیگانه نیست بلکه با توجه به تحولات جدید صورت‌گرفته، تهدیدات مرزی دارای جنبه‌های متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و… شده است (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۶۹). در همین راستا شاهد تبدیل‌شدن مسئله مهاجرت به یک تهدید مرزی و موضوعی امنیتی در گفتمان دولت‌های کنونی هستیم و به تعبیر برخی نویسندگان کنترل مرزها از حفاظت نظامی از حاکمیت کشور به کنترل و ایمن‌سازی جامعه در برابر جریان جمعیت‌های غیرمنتظره مثل مهاجران تغییر شکل یافته است (Spyrou & Christou, 2014: 13). این گفتمان امنیت مرزی، همان‌گونه که در کلام فرماندهان مرزبانی ایران نیز به‌وفور به چشم می‌خورد، از مهاجر و پناه‌جو نه به مثابه یک انسان نیازمند حمایت، بلکه احتمالاً به‌عنوان مجرم و متجاوز مرزی یاد می‌کند و به این ترتیب با کاربرد چنین واژگانی، استفاده از سازوکارهای پلیسی و مجازات‌هایی مانند بازداشت در کمپ‌های مرزی توجیه می‌شود؛ امری که هرساله به کشته‌شدن مهاجران بسیاری در مناطق مرزی کشورها می‌انجامد.

بخش دیگری از سیاست‌های کیفری دولت‌ها، مربوط به سیاست‌ها و مقرراتی است که در نواحی داخلی کشور علیه مهاجران اجرا می‌شوند. در این چارچوب دولت‌ها با جرم‌انگاری‌های متعدد و تعیین ضمانت اجرای‌های سختگیرانه سعی کرده‌اند، از اقامت مهاجران به‌اصطلاح غیرقانونی و پناه‌جویان در داخل کشور جلوگیری کنند. در همین راستا شاهدیم برخی دولت‌های غربی مانند انگلستان در بسیاری از امور مثل اشتغال، تحصیل در دانشگاه، اجاره خانه، افتتاح حساب بانکی، گواهینامه رانندگی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و دیگر خدمات اجتماعی پناه‌جویان ممنوعیت ایجاد کرده‌اند و حتی برای اتباع داخلی که در این امور به آنها خدمات‌رسانی کنند نیز مجازات تعیین شده است. ازاین‌رو می‌توان گفت در قرن حاضر چنگال‌های خرنده کنترل مرزی، فراتر از مرزهای فیزیکی به زندگی روزمره شهروندان نیز تسری یافته است (کنتینگ، ۱۴۰۰: ۲۱۴).

حاکمیت نگرش جرم‌انگارانه به مهاجرت، زمینه‌ساز توسعه اختیارات پلیس در زمینه شناسایی، دستگیری و اخراج پناه‌جویان شده است. نتیجه این امر افزایش تعداد اتباع خارجی در زندان‌ها و گسترش خشونت پلیسی علیه این جمعیت است. علاوه بر این در بررسی درخواست‌های پناهندگی، رویکرد بسیاری از کشورهای غربی از جمله انگلستان، به سمت رویکرد «اول اخراج، بعداً درخواست» سوق پیدا کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت امروزه گفتمان پلیسی و کیفری، با پناه‌جویان به‌مثابه مجرم برخورد می‌کند و حتی این تصویر منفی از پناه‌جویان را در سطح جامعه ترویج می‌دهد.

نگرش جرم‌نگارانه به مهاجرت در حالی در دهه‌های اخیر اوج گرفته که رویکرد اسناد و نهادهای حقوقی بین‌المللی مرتبط با امور مهاجران، متفاوت با رویکرد دولت‌های کنونی است. برای مثال مواد ۱۳ و ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر از آزادی جابه‌جایی و حق بر پناه‌جویی سخن گفته‌اند. کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ نیز قدم‌های مهمی در راستای احقاق حقوق پناهندگان برداشته است. البته اسناد بین‌المللی با وجود اینکه به حق جابه‌جایی اشخاص اشاره کرده‌اند اما هیچ تعهد حقوقی برای دولت‌ها برای پذیرش مهاجران ایجاد نکرده‌اند و پذیرش مهاجران را به صلاحدید دولت‌ها واگذار کرده‌اند. البته اقتدار دولت‌ها در پذیرش مهاجران مطلق نیست و نظام حقوق بین‌الملل با ایجاد تهدیداتی چون اصل عدم بازگشت و الزام دولتی که مهاجر وارد آن شده، به ارائه تسهیلاتی برای عبور و رسیدن وی به کشور دیگری که در آنجا بتواند پناهندگی بگیرد، سعی کرده از مهاجران حمایت نماید (مقامی و صابری، ۱۳۹۸: ۵۲). همچنین طبق مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دولت‌ها نمی‌توانند با این استدلال که کنترل مهاجرت مششخصه‌ای مهم و کلیدی در اعمال حاکمیت آنهاست، از تکالیف حقوق بشری خود سر باز زنند و همواره باید عدالت و اصول حقوق بشری رعایت شود (چهل‌امیرانی و شهبازی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). در همین راستا سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای و سازمان‌های مردم‌نهاد حامی مهاجران، در سالیان اخیر مکرراً از رویکرد کیفری دولت‌ها در قبال مهاجران و پناه‌جویان انتقاد کرده و خواستار برخورد انسانی‌تر با آنان به‌عنوان گروهی آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت شده‌اند.

وضعیت کنونی مهاجران در دنیا به بن‌بست رسیده و سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه دولت‌ها نیز نتوانسته است این مسئله را حل کند و حتی بیش‌ازپیش زمینه‌ساز نقض حقوق مهاجران و ورود آسیب به آنان شده است. دولت‌های مختلف باجمله ایران باید به خاطر داشته باشند که مهاجرت جرم نیست و از گفتمان امنیتی-کیفری فعلی در قبال مهاجران فاصله بگیرند و به‌جای صرف هزینه‌های هنگفت برای برخورد کیفری با مهاجران، برنامه‌های منسجمی برای تسهیل مسیرهای قانونی ورود مهاجران و ایجاد سازوکارهای حمایتی در راستای تسهیل بازگشت مهاجران و پناهندگان به کشورشان اتخاذ کنند. علاوه بر این امروزه برای رفع مشکلات مهاجران به همبستگی و همکاری بین‌المللی بیشتر دولت‌ها نیاز است؛ امری که با اعلامیه نیویورک ۲۰۱۶ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به‌موجب این سند حمایت از مهاجران و کمک به کشورهای میزبان آنان یک مسئولیت جمعی بین‌المللی است و سعی بر آن شده است که اگر دولتی به هر دلیلی قادر به پذیرش آنان نبود، از طرف سایر دولت‌ها و آژانس‌های حقوق بشری به آن دولت کمک شود که از بار مسئولیت وی کاسته شود (مقامی و صابری، ۱۳۹۸: ۴۵). بدون شک همکاری و تعامل بین کشورهای مبدأ و مقصد و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند راهکار مفیدی برای حل مسئله پناه‌جویی باشد.

منابع:

- جانپرور، محسن. (۱۳۹۶). نگرشی نو به مطالعات مرزی. چاپ اول. تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- چهل‌امیرانی، امیر؛ شهبازی، آرامش. (۱۳۹۵). حمایت از مهاجران غیرقانونی در حقوق بین‌الملل. چاپ اول. تهران: شهر دانش.
- کنتینگ، ویکتوریا. (۱۴۰۰). زمبولوژی در مرز. ترجمه هانیه مژبرالساداتی. در آوی بولکی و جاستین کوتزه (ویراستاران). زمبولوژی: بازیبوند جرم و آسیب اجتماعی. چاپ اول. تهران: میزان.
- مقامی، امیر؛ صابری، پردیس. (۱۳۹۸). استحقاق پناهندگی: رویارویی حقوق بشر و حاکمیت دولت. مطالعات بین‌المللی پلیس. دوره دهم. شماره ۲۷-۵۶: ۳۱.

Introduction. In . Spyrou, Spyros & Christou, Miranda Spyros Spyrou & Miranda Christou (Eds). Children and borders. Palgrave Macmillan UK Crimmigration: encountering the levia- (۲۰۱۵). Stumpf, Juliet P than. In Sharon Pickering & Julie Ham. The Routledge Handbook on 1st Edition. London: Routledge. Crime and International Migration

ادامه از صفحهٔ ۸

مشارکت یک کشور در سیاست‌گذاری‌های جهانی مؤثر است

♦ **در جریان هسئید که از سوی معاونت امور زنان و خانواده تلاشی شده که این خروج اتفاق نیفتد؟ اصلااین مسئله دغدغه معاونت زنان بوده؟ به طور کلی مدیریت جدید معاونت زنان تلاشی برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی دارد؟**

قطعا باید این‌گونه باشد؛ یعنی جزء بایسته‌هاست. از مرجع ملی زنان یا مکانیسم و سازوکار نهادین برای پیشرفت زنان که در کشور ما «معاونت امور زنان و خانواده» است، این انتظار هست که این دغدغه را داشته باشد و حتما هم تلاش‌هایی انجام شده است؛ هرچند اشاره کردم چنین اقداماتی در حوزه مأموریت وزارت خارجه بیشتر تعریف شده تا معاونت امور زنان. معاونت امور زنان بیشتر از تالیع و رهیافت‌ها و یافته‌های این رویدادها استفاده می‌کند و باید سعی کند به نحو احسن در این زمینه مؤثر باشد؛ ولی به هر حال هرچند توضیح هم دادم، این اخراج احتمالاً تبعات داخلی نداشته باشد و تأثیر عاجل و ملموس بر پرس‌فد وضعیت زنان نداشته باشد؛ اما قطعاً تبعات بین‌المللی آن باید درخورتوجه و بااهمیت باشد. این نگرانی که با عادی‌سازی، چنین اقداماتی بعد از این تبدیل به رویه شود و با اجماع جهانی از حضور ایران در مجامع بین‌المللی در این‌گونه نهادها، ارگان‌ها و ارگان سازمان ملل مشروعیت‌زایی بشود، باید حتما دغدغه مرجع ملی زنان هم باشد. بحث دیگری که من می‌خواهم به آن اشاره کنم و جزء سؤال‌های شما نبود، در این مدتی که این اتفاق افتاد، شاهد بروز و ظهور دو دیدگاه بودیم و دو اختلاف نظر که محل مناقشه شد. یک دیدگاه معتقد است شورای اقتصادی-اجتماعی برای اخراج یا لغو عضویت یک عضو سازمان ملل فاقد صلاحیت بوده و برخورد سلیقه‌ای شده است. دیدگاه دیگر معتقد است که این شورا برای اخراج و لغو عضویت یک عضو ملل متحد صلاحیت ضمنی داشته و همان مرجعی که مجوز رای‌گیری برای عضویت داده، می‌تواند عضویت را پس بگیرد. حالا به هر حال شاهد مجادله و منازعه این دو دیدگاه در این مدت بودیم و خواهیم بود. اینکه سند تأسیس کمیسیون درباره حذف یک عضو ساکت است، این هم بحث درستی به نظر می‌رسد که این اتفاقی که افتاد، برای اولین بار در تاریخچه فعالیت کمیسیون مقام زن شکل گرفت و به نظر می‌رسد برخلاف رویه مرسوم منشور ملل متحد است که از دیدگاه خودمان مشی آن بر جذب حداکتری و دفع حداقلی است. حتی پیش‌بینی سازوکار تحفظ و حق شرط و الحاق مشروط به معاهدات آرام‌آرام بین‌المللی از این زاویه است که کشورها را قانع کند و رضایت‌شان را جلب کند برای اینکه طرفین یک معاهده بین‌المللی باشند و عضو معاهدات بین‌المللی باشند؛ هرچند با تحفظ و حق شرط و از معاهدات بین‌المللی بیرون نمانند تا حتی پیش‌بینی حق وتو برای قدرت‌های بزرگ در منشور در شورای امنیت هم به این معناست که به نوعی بتوانند رضایت آنها را جلب کند، اقناع لازم را برای حضور آنها در این مجمع بین‌المللی داشته باشند تا با خروج خودشان یا در واقع اخراج‌شان از سازمان ملل در بیرون از این سازمان دست به تصمیمات، اقدامات بزرگ و خطرناکی نزنند. اینکه بحث می‌شود که سیاسی‌کاری شده و این شائبه با تصویب قطع‌نامه پیشنهادی آمریکا دامن زده شد که این رویکرد به موضوع شرایط ایران سیاسی بوده است و ادعا می‌کنند یک رویه غیرقانونی شکل گرفته است و بیشتر صورت تسویه‌حساب و انتقام‌گیری و میج‌گریک دارد و حاکمیت قانون را به چالش می‌کشد. اینها دلایلی است که کشورهای مخالف و بعضاً منتعن مطرح کردند و در داخل کشورمان هم دارد مطرح می‌شود.

♦ **یعنی سیاسی‌کاری‌شد؟**

قطعا نمی‌توان منکر سیاسی‌کاری در این حوزه شد و رویکرد سیاسی را نمی‌شود نادیده گرفت و اصلاً بحث حقوق بشر یک بحث سیاسی است و حقوق زنان هم به تبع آن همین‌طور و ما در داخل کشورمان هم همین رویکرد را داریم؛ همین بحثی که تحت عنوان «سیاسی‌کاری» یا تغییر یا تبدیل یک موضوع اجتماعی به یک موضوع سیاسی مطرح می‌شود که در داخل کشورها هم هست و ایراد استانداردهای دوگانه همان‌طورکه در سطح بین‌المللی مذموم است، در سطح داخلی هم باید مذموم باشد. با این نگاه این ایراد وارد است که چطور این دوگانگی را می‌توان توجیه کرد که برخی کشورهای عضو عملکردشان به وضوح ناقض حقوق بشر و حقوق زنان است؛ ولی کم‌اکن عضو محسوب می‌شوند؛ بنابراین منکر این استانداردهای دوگانه و منکر این سیاسی‌کاری‌ها نمی‌توان شد و اگر اینجا این‌گونه برخورد با مباحث را نمی‌پسندیم، قطعاً در داخل هم نباید به آن رضایت بدهیم و تن به این‌گونه رویکردها بدهیم و این استانداردهای دوگانه را ساری و جاری بدانیم و نسبت به سیاست‌ها و برنامه‌هایی که برداشت‌مان این است که مورد پسند ما نیست، هرگونه مجال فعل و انفعال را از کسائی سلب کنیم که در دوره‌هایی واضح، سیاست‌گذار و برنامه‌ریز و مجری بودند. دلیل اصلی که آمریکا با قطع‌نامه این بحث را پیش برد، همین بود که ماده یا تبصره خاصی به اسناد سند تأسیس وجود نداشت که بتواند به آن استناد کند و ایده خودش را پیش ببرد؛ بنابراین بانی قطع‌نامه شد و این رویه را ایجاد کرد. در اینجا می‌خواهم اشاره کنم به نقشی که کشورهای روسیه و چین در این زمینه داشتند که امیدوارم درس بزرگی برای سیاست‌گذاران خارجی ما باشد که یک امید واهی و دانشی را به همراهی و همدلی این کشورها در همه مکان‌ها و زمان‌ها و در همه اوقات نداشته باشند؛ چون به نظر می‌رسد این کشورها و نقشش که برسد، همه منافع بگیرد را به پای منافع ملی خودشان قربانی می‌کنند. در این زمینه هم دیدیم که با وجود آنکه دولت چین و همین‌طور روسیه می‌توانست قطع‌نامه بدهد و بانی قطع‌نامه بشود، ولی با توجه به اتفاقی که در جلسه اخیر شورای حقوق بشر افتاد و منجر به تشکیل هیئت حقیقت‌یاب بین‌المللی و به تبع آن شکل‌گیری محاکم ویژه کیفری بین‌المللی شد و قطع‌نامه چین رای نیاورد، اینجا می‌بینیم که در اجلاس شورای اقتصادی-اجتماعی که قطع‌نامه آمریکا در دستور بود، چین دیگر قطع‌نامه ارائه نمی‌دهد و صرفاً به قرائت بیانه و ارائه کامنت اکتفا می‌کند؛ درحالی‌که می‌توانست نقش آفرینی مؤثرتری در این زمینه داشته باشد که عرض کردم امیدوارم این درس عبرتی باشد برای تجدیدنظر در روابطی که داریم و سیاست‌هایی که در آینده بر پایه منافع ملی اتخاذ می‌کنیم.

بازتاب

واکنش وزارت نیرو به گزارش «شرق»

سد چم شیر با مهار سیلاب‌ها به ارتقای کیفیت رودخانه زهره کمک می‌کند

وزارت نیرو در واکنش به گزارش روزنامه «شرق»، با عنوان «اصرار برای آب‌گیری سد چمشیر به چه دلیل است؟ جوابیه‌ای را به دفتر روزنامه ارسال کرد. در متن این جوابیه آمده است، در حوضه آبریز رودخانه زهره شش چشمه آب شور قرار گرفته‌اند که سالانه بیش از ۲.۵ میلیون تن نمک را با خود به پایین‌دست سد انتقال داده و در بازه‌های زمانی از سال شاخص شوری هفت برابر حد مجاز را تجربه می‌کند. علت کیفیت نامناسب آب رودخانه، وجود چشمه‌های شور در دو منطقه از مسیر رودخانه و در پایین‌دست سد می‌باشد. با این حال نتایج مدل‌سازی مخزن نشان می‌دهد که خاصیت تعدیل‌کنندگی سد باعث ارتقای شرایط کمی و کیفی پایین‌دست سد نسبت به رژیم طبیعی رودخانه خواهد شد. به معنای دیگر زمانی‌که میزان آب‌دهی رودخانه به‌خصوص در بازه زمانی خردادماه تا مهرماه هر سال به واسطه کاهش آورد آبی کم می‌شود، میزان شوری آب در رودخانه زهره بالا رفته و زمینه خسارت به محیط زیست فراهم می‌شود. نگاهی به کشت مردم در پایین‌دست رودخانه زهره گواهی دیگر بر ماهیت شور این رودخانه است؛ جایی که در مزارعی نظیر مزارع زیتون، تنها امکان کشاورزی برای ماه‌های خاصی از سال در فصل زمستان مهیا بوده و در سایر ماه‌های سال به علت افزایش شوری آب زمینه استفاده از منابع آبی مهیا نیست، به نحوی که حدود ۰ درصد از آورد آب رودخانه زهره در شرایط دبی کم رودخانه (بهار، تابستان و پاییز) از کیفیت مناسبی برخوردار نیست. این در حالی است که ۷۰ درصد از آورد سالانه آب رودخانه در زمستان و به صورت سیلاب‌های بزرگ و دارای کیفیت مناسب است، بنابراین بایدآب داخل مخزن شرایط به‌مراتب بهتری از آب رودخانه دارد. این سد اولین ابزار مدیریت منابع آبی است که روی رودخانه زهره با آورد ۲.۳ میلیارد متر مکعب آب در طی سال احداث می‌شود و زمینه استفاده از این منابع آبی پیش از ورود به دریا را مهیا می‌کند. این موضوع با عنوان نقش تعدیل‌کنندگی کیفی آب پایین‌دست با ذخیرسازی سیلاب در ماه‌های تر و هاسازی در طول سال، یکی از اهداف اولیه و مهم احداث سد است.